

مَجَلَّةُ اَرْمَغَانِ

پنجمین بهمن‌ماه ۱۳۹۸ شمسی

(مناظره شعر و نثر)

(بقیه از شماره دهم)

(شعر)

پس از يك خنده متعجبانه : به به عجب تکذیب و انتقادی کردی
اگر قوه ممزه داشتی و میان دروغ و اغراق فرق می‌گذاشتی در مقام
مناظره بمزایا و محسنات من اعتراف نمی‌کردی و باقرار خودت
محکوم نمیشدی .

اینک گوش فرار ده و اغراق را از دروغ بشناس تا از گفته
خود متقل و بشیمان شوی .

دروغ مذموم در عرف و کذب حرام در شرع عبارت از آن
است که گوینده بر خلاف واقع خبری بدهد و اثری نا مشروع و

قبیح از آن بخواهد از قبیل شهادت نا حق و اغراء بجهل و بشقربیی حکم نا حق هم .

اما اغراق چنین نیست زیرا اصلا خبری آنجا در کار نیست تا احتمال صدق و کذب بر او متفرع شود و اهل ذوق و ادب در تعریف وی چنین گویند .

هر گاه شاعری برای مزید فصاحت و بلاغت در کلام خود صفتی را برای چیزی بحد افراط دعوی کند از سه قسم خارج نخواهد بود یعنی اگر این دعوی عقلا و عاداتاً ممکن باشد مبالغه است ، و اگر عاداتاً محال و عقلا ممکن باشد اغراق است و هر گاه عقلا و عاداتاً محال باشد غلو است .

و برای هر يك از سه قسم چند مثال می آوریم تا مدعا واضح گردد

(مبالغه)

۱ از قرآن مجید - در وصف قیامت (

* یوم تذهل کل مرضعة عما ارضعت وتضع کل ذات حمل حملها *
در عقل و عادت هر دو ممکن است که يك مادر از شدت وحشت ز طفل رضیع خود غافل ماند یا يك آبستن سقط چنین نماید ولی این هر دو در قیامت وقوع ندارند و فقط برای مبالغه ذکر شده

(نظامی)

بر او يك جرعه می همزنك آذر گرامی تر ز خون بسد برادر
ببخشد کشوری بر بانك رودی ز ملکی دوست تر دارد سرودی

(نیزهم)

ز گوش بریده شتر بارها ز سر های پرگاه خروارها

(سمدی)

بساط سبزه لگد کوب شد پیاپی نشاط زبسکه عارف و عامی برقص برجستند

(اسدی)

گریزنده را تا بکابل فراز سنان از قفا هیچ نگست باز

(امرءالقیس)

فعدای عدا بین نور و نجه دراکا فلم ینضح بماء فیفسل (۱)!

« اغراق »

(متنبی)

کفی بجسمی نحو لاتی رجل لولا مخاطبتی ایاک لم ترنی

ترجمه منظوم آن (وحید)

آنچنان فرقت ایجان جهان کاست تم که نمی بینم از با تونگویم که منم

این دعوی عادتاً محال است ولی عقلاً ممکن زیرا عقلاً ممکن است

که چیزی آقدر باریک و کوچک باشد که از یکمسافت کم جز

بهدایت صدا دیده نشود .

(۱) امرءالقیس در این شعر اسب خود را وصف میکند و

حاصل معنی آنکه . این اسب دز یک تکابو دو گاو زر و ماده کوهی

را بعد از دیگری در می باید در حالتیکه عرق و خوی بدنش را

نمی شوید (و این دعوی عقلاً و عادتاً ممکن است .